



great

# نُت‌های زیبایی

other

early

best

همان‌طور که هر جمله موسیقایی از تعدادی نت تشکیل شده است، جمله‌های گفتاری و نوشتاری نیز متشکل از واژگان هستند.

important

national

different

لازم است به آنان کمک شود با استفاده از راه‌های دیگر، عمل یادگیری را بهبود بخشند. روش‌های متفاوتی برای یادگیری واژه و تقویت دایره واژگان وجود دارد. از جمله استفاده از فلش کارت، کدگذاری، ریشه‌یابی و یادگیری واژگان در جمله و با جمله. یادگیری واژه در دل جمله موجب می‌شود آن‌ها را درست و بجا به کار بریم. درواقع، صاحب‌نظران بارها تأکید کرده‌اند که واژه‌ها را نباید «به‌تنهایی» و «درخلأ» آموخت. استفاده درست و مؤثر از فرهنگ‌های لغت نیز تأثیر زیادی در یادگیری کلمه‌ها

در هر حوزه‌ای (اعم از موسیقی، برنامه‌نویسی رایانه‌ای، زبان ریاضیات و...) به واژگان خاص خود نیاز دارند. یکی از شیرین‌ترین و در عین حال دشوارترین کارها در فراگیری زبان، یادگیری واژه است و یکی از معضله‌هایی که دانش‌آموزان معمولاً با آن روبه‌رو هستند، انجام این کار است که با افزایش تعداد واژگان و به‌ویژه واژه‌های دشوار و طولانی از نظر تعداد حرف‌ها، این مشکل صدچندان می‌شود. روش‌های معمول و ساده یادگیری واژگان، غالباً در چنین مواردی چندان مؤثر نیستند. به همین علت

همان‌طور که هر یک جمله موسیقایی از تعدادی نت تشکیل شده است، جمله‌های گفتاری و نوشتاری نیز متشکل از واژگان هستند. این واژگان کمابیش در اختیار همه هستند، اما همه به یک اندازه و با کیفیتی یکسان از آن‌ها استفاده نمی‌شود. به همین علت است که برخی شاعر، نویسنده یا سخنور می‌شوند و برخی دیگر از گفتن و نوشتن ساده‌ترین جمله‌ها ناتوان‌اند. هرچه واژگان بیشتری بلد باشیم، زبان ما قوی‌تر و غنی‌تر و دنیای ما وسیع‌تر خواهد شد. بدون «واژه»، زبانی وجود نخواهد داشت، زیرا همه زبانه‌ها

استفاده از فلش کارت و «جعبه لایتنر»<sup>۱۲</sup> نیز یکی دیگر از روش‌های یادگیری واژگان است. این جعبه از نام سیاستین لایتنر<sup>۱۳</sup>، پژوهشگر آلمانی گرفته شده است. او در کتاب خود با عنوان «چگونه یاد بگیریم» این روش را توضیح داده است. جعبه لایتنر ابزاری است که به یادگیری کمک می‌کند و روش کار با آن نیز به این شکل است که واژه مورد نظر در یک طرف کارت نوشته می‌شود و معنای آن و در صورت لزوم، یک مثال به صورت جمله‌ای که آن واژه در آن به کار رفته باشد، در پشت کارت نوشته می‌شود. با خواندن این کارت‌ها در توالی زمانی مشخص و تکرار آن‌ها، به تدریج واژگان و معنایشان در حافظه ما حفظ و تثبیت می‌شوند. این روش مبتنی بر «تکرار فاصله‌ای»<sup>۱۴</sup> است که مطابق با آن، برای اینکه محتوایی در حافظه ما تثبیت شود، باید در مدت زمانی طولانی آموخته و تکرار شود. امروزه برنامه‌ها و نرم‌افزارهای زیادی برای یادگیری واژگان وجود دارند که از همین روش یا روش‌های نوین دیگر، برای آموزش و یادسپاری کلمه‌ها استفاده می‌کنند.

در شماره‌های گذشته، به مهارت‌های چهارگانه زبانی پرداختیم. در این شماره به «آموزش واژگان» می‌پردازیم که به تقویت مهارت‌های زبانی کمک می‌کند و به نوعی زیربنای سایر مهارت‌هاست.

### پی‌نوشت‌ها

1. active/productive
2. passive/receptive
3. collocation
4. content words
5. function words
6. etymology
7. portmanteau words
8. denotation
9. connotation
10. defamiliarization
11. jargon
12. Leitner System/Lernkartei
13. Sebastian Leitner
14. spaced repetition

به کار برد. روزانه ده‌ها، بلکه صدها واژه تخصصی و غیرتخصصی به دایره واژگان زبان‌ها افزوده می‌شود که در زبان انگلیسی این تعداد از سایر زبان‌ها بیشتر است. بنابراین یادگیری تمامی این واژگان، حتی در یک زبان و در یک حوزه خاص، نه تنها غیرممکن، بلکه غیرضروری است. اما یکی از روش‌های مرسوم برای پی بردن به معنای واژه‌ای که آن را نمی‌دانیم، «حدس زدن» است که البته ریشه‌شناسی به این امر کمک می‌کند. آشنایی با پیشوندها و پسوندها نیز عامل دیگری است که حدس زدن ما را آسان‌تر می‌سازد.

هر واژه‌ای معمولاً معنای گوناگونی دارد. «معنای صریح»<sup>۱</sup> به راحتی در فرهنگ‌های لغت یافت می‌شود و غالباً همان یک یا دو معنای نخستین است که در هر فرهنگ لغتی جلوی واژه نوشته می‌شود. این معنی ثابت و عینی است. اما «معنای ضمنی»<sup>۲</sup> ثابت نیست و بسته به فرهنگ، بافت و زمینه، تجربه فردی و... متفاوت و متغیر است. این معنا به احساس‌ها، مفهوم‌ها، رابطه‌ها و تداعی‌هایی که در ذهن ایجاد می‌شوند، وابسته است. «معنای صریح» در گفت‌وگوها و نوشته‌های روزمره کاربرد دارد و زبان علم و به‌ویژه علوم طبیعی است، در حالی که «معنای ضمنی»، زبان علوم انسانی، شعر و ادبیات است. در مورد نخست، گوینده یا نویسنده، تلاش دارد تا هر چه سریع‌تر، معنای مورد نظر خود را منتقل کند، اما در مورد دوم، انتقال معنا، به عمد و آگاهانه به تأخیر می‌افتد و به نوعی «آشنادایی»<sup>۳</sup> صورت می‌گیرد.

«خواندن» یکی از بهترین روش‌ها برای یادگیری واژه است. هر چه متن‌های بیشتر و متنوع‌تری مطالعه کنیم، مواجهه ما با واژگان گوناگون بیشتر خواهد بود. البته با توجه به پیشرفت و توسعه دانش در دنیای امروز، هر فردی ناچار است صرف‌نظر از واژگان رایج و پر کاربرد، به‌طور عمده، اصطلاح‌های تخصصی و مرتبط با رشته خود را فراگیرد که به آن «زبان حرفه‌ای»<sup>۴</sup> یا «زبان صنفی» می‌گویند.

دارد. گرچه امروزه با وجود فرهنگ‌های لغت دیجیتال و اینترنتی، کار جست‌وجو و یافتن لغت نسبت به گذشته بسیار ساده‌تر شده است، اما نه به‌طور کامل ما را از به‌کارگیری کتاب‌های فرهنگ لغت بی‌نیاز می‌کند و نه استفاده از فرهنگ لغت فقط در یافتن معنای واژگان خلاصه می‌شود. فرهنگ‌های لغت انواع متفاوتی دارند و به ما کمک می‌کنند علاوه بر معنای واژگان، با تلفظ، ریشه، نحوه درست کاربرد واژگان و... نیز آشنا شویم.

واژگانی که بلدیم به دو دسته «فعال»<sup>۱</sup> و «غیرفعال/منفعل»<sup>۲</sup> تقسیم می‌شوند. واژگانی را که به خوبی می‌فهمیم، کاربردشان را می‌دانیم و مدام استفاده می‌کنیم، فعال هستند و واژگانی که این ویژگی‌ها را ندارند، منفعل اند. برخی از کلمه‌ها، بیشتر اوقات با هم می‌آیند که به آن‌ها «همایند»<sup>۳</sup> می‌گویند؛ مانند این موارد در زبان انگلیسی: “pay attention”، “strong tea” و “have fun”.

برخی از واژگان به «واژگان محتوایی»<sup>۴</sup> شهرت دارند که به انتقال معنای جمله کمک می‌کنند؛ از جمله اسم‌ها، صفت‌ها و قیدها. در مقابل، «واژگان نقش‌نما»<sup>۵</sup> به‌تنهایی معنایی ندارند یا معنای مبهمی دارند، اما رابطه‌های دستوری و نحوی بین سایر واژگان را در یک جمله نشان می‌دهند و بیانگر حالت یا روحیه نویسنده یا گوینده جمله هستند؛ مانند حرف‌های اضافه، ضمیرها، حرف‌های ربط و... «ریشه‌شناسی»<sup>۶</sup> یکی از روش‌ها در یادگیری واژه است که به ما کمک می‌کند، هم بهتر و بیشتر مفهوم یک کلمه را درک کنیم و هم سریع‌تر معنای واژگان را فراگیریم و یا حتی آن‌ها را حدس بزنیم. معروف است که جیمز جویس، رمان‌نویس و داستان‌نویس مشهور ایرلندی، در اصل معلم زبان بود. او بخش زیادی از وقت خود را صرف یادگیری لغت و جست‌وجو در فرهنگ‌های لغت می‌کرد و به ریشه‌یابی واژه‌ها بسیار علاقه داشت. به همین علت می‌توانست «واژه‌های ترکیبی»<sup>۷</sup> جالبی خلق کند و آن‌ها را در آثار داستانی خود